



۶
رضا: دیگه چی؟
صادق: از همه مهم تر،
یک زمین فوتبال تا
زنگ های ورزش
گل کوچیک بازی کنیم.

۵
رضا: توی مدرسه ش چی باشه؟
میلاد: من دوست دارم مدرسه ها
حیات بزرگ داشته باشن برای زنگ تفریح.

۴
صادق: یک بچه هم بکشیم که داره به یک
آدم پیر کمک می کنه از خیابون رد بشه.